

رهیافت‌هایی دربارهٔ سیاست‌گذاری در بافت فرسوده و سکونت‌گاه غیررسمی

سعید معیدفر*

که هر بخش دارای ارزش‌هایی متعارض با ارزش‌های بخش دیگر است. دوم، جهان به تدریج در حال انتقال از سنتی به مدرن است. این امر اجتناب‌ناپذیر است و سرانجام جهان مدرن با ویژگی‌هایش جانشین جهان سنتی خواهد شد. سوم، این انتقال تدریجی از طریق یک فرایند درونی^۱ نوسازی و توسط رهبران سیاسی در کشورهای جهان سوم انجام خواهد شد. چهارم هم این‌که در نهایت، جوامع سنتی در فرایند نوسازی به جوامعی مشابه جوامع غربی تبدیل خواهند شد. الگوهای توسعه بر مبنای نظریه‌های نوسازی در کشورهای در حال توسعه، در واقع، یک نوع اشاعهٔ تمدن، فرهنگ و ارزش‌های غربی است و غرب در تصویر رویکردهای نوسازی، در همهٔ زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برتر از جهان سوم است (Tipps 1973: 206).

برخی دیگر از نظریه‌پردازان نوسازی، در تبیین ویژگی‌های جوامع جدیدی که در فرایند نوسازی قرار گرفته‌اند، مستقیم یا غیرمستقیم، بر ارزش‌های شهری شدن و تمرکز جمعیت در مراکز شهری و منزوی ماندن روستاها تأکید دارند (Abraham 1980). اجتماعات روستایی به هیچ روی نمی‌توانند در فرایند نوسازی قرار گیرند مگر با حذف شدن، انتقال یا تبدیل شدن

این‌که بافت‌های فرسوده و سکونت‌گاه‌های غیررسمی درست از چه زمانی مسئلهٔ شهری ما، به‌ویژه در کلان‌شهرها، شده است جای تأمل دارد. ممکن است قدمت چنین مناطقی در شهرهای ما زیاد باشد، اما بی‌تردید از زمان شکل‌گیری دولت مدرن در ایران و آغاز نوسازی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر آن، مسئلهٔ بافت‌های فرسوده و سکونت‌گاه‌های غیررسمی هر روز ابعاد جدیدتر و گسترده‌تری یافته است. تا امروز که در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور این مسئله از حاشیه به متن انتقال یافته و به معضل مهم شهری ما تبدیل شده است. در تحلیل دلایل شکل‌گیری و گسترش این معضل گفته می‌شود که رویکردهای آغازین برنامه‌های نوسازی که در اکثر مناطق جهان شکل مشابهی دارد مبتنی بر تضاد میان دو نوع زندگی سنتی و مدرن بوده است. نوع سنتی در روستاها و سکونت‌گاه‌های پیشین وجود داشته و نوع جدید در کلان‌شهرها در مشابهت با شهرهای کشورهای توسعه یافته وجود دارد.

چهار نکته دربارهٔ رویکردهای نوسازی مطرح است. نخست این‌که در کلیهٔ این رویکردها، جهان به دو بخش نو و کهنه یا مدرن و سنتی تقسیم می‌شود